

# تاریخ نظامی نوین: کارگزاران آن و اقدامات آنها\*

دون های جین بوتام

ترجمه: محمدباقر سلیمانی

قرار نگرفته اند، اما ما نسبت به سه کمیته مربوط به تحقیق اداری در آن سال، دو برابر و یا بیشتر درخواست و تقاضا نامه برای رسیدگی داشتیم. این مسئله که نشریه انجمن تاریخ آمریکا، برای مورخان نظامی شاغل در مؤسسات آکادمیک، فقط سه آگهی رالیست نموده است، هیچ اهمیتی ندارد. از آنجایی که این سال، سال خوبی برای مورخان نظامی در این میدان نبود، ما می توانیم این طور فرض نماییم که گروه ما اقدام به ارائه موارد مهمی در این زمینه نموده است. لازم به ذکر است در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ به ندرت و به سختی فرصت مناسبی برای افراد بی تجربه در این حرفه به دست می آمد.

از آنجایی که در نظر اول ممکن است نمونه برداری ماضعیف به نظر برسد، با توجه به متقاضیان در سطوح بالاتر یعنی پروفیسورهای مجرب و استادان صاحب کرسی، به این دلیل است که ما اجازه نداشتیم در سطوح بالا انتخابی را صورت بدهیم. به هر حال تعدادی از استادان مجرب به کار گرفته شدند، افرادی که تمایل داشتند پست های پایین تری را در مدت کوتاهی اشغال نمایند. علاوه بر این کاندیداهایی از نیروهای مسلح و آژانس های دولتی و افرادی که دارای گواهینامه استادی از دانشگاه های بزرگ و مهم بودند، وجود داشت. در نهایت در دفاع از این دست آورد مهم بایستی گفته شود که استادان مجرب بیش تری در مدارس تحقیقاتی در این ارتباط وجود ندارند، به

تحقیق در مورد مورخین نظامی نوین

این مقاله به افرادی که مورخ نظامی شناخته شده و مشهور می باشند، نگاهی انداخته و سپس به بررسی تاریخی که نگاشته اند، می پردازد. ساختمان و چارچوب کلی موضوع خام و ابتدائی است. بررسی و تجزیه و تحلیل اطلاعات ارائه شده از نود و دو متقاضی پست (کرسی) تاریخ نظامی در دانشگاه کارولینای شمالی در چابل هیل، به دست آمده است. تحقیق در خلال سال تحصیلی ۱۹۹۰ - ۱۹۸۹ به ریاست مؤلف و با هم کاری جدی سه تن از هم کاران انجام شده است. اگر چه کمیته ما در تعریف تاریخ نظامی نوین "هم نظر نبود، ولی ما نمی خواستیم از نمونه ای استفاده نماییم که سر و صدای زیادی به راه اندازد. آگهی ما نشان داد که ما از محققینی که در موضوعات اجتماعی، فکری و تکنولوژی و نیز آنهایی که در خصوص چگونگی پیدایش و ماهیت امنیت ملی آموزش دیده اند، استقبال می نماییم. ما همچنین مسائل جغرافیایی را نیز مد نظر قرار دادیم. مورخان نظامی مورد نظر ما بایستی در رشته فوق الذکر تدریس بنمایند. محققینی که برای این خصوصیت مناسب می باشند، در جهت گیری اش بیشتر می تواند یک اروپایی باشد تا یک آمریکایی.

ما بایستی یک مطلب دیگر را به این شیوه نمونه برداری اضافه نماییم. آشکار است که بسیاری از متخصصان نظامی مورد بررسی

\* با تشکر از دکتر امینیان که مقاله را برای چاپ در اختیار فصل نامه قرار داد.

خاطر اینکه تاریخ نظامی آکادمیک تقریباً یک موضوع جدید می باشد. در حقیقت زمانی که مؤلف در دهه ۱۹۵۰ وارد این حرفه شد، افراد مهم زیادی در این زمینه در دو دسته کاندیدا شده بودند: تئودور راپ، لوئیز مورتن، تی هری ویلیامز، بل ویلی و تعدادی دیگر.

راستی سوابق سازمانی و عضویت های کنونی کاندیداهای ما چه می باشد؟ آنها نایل به کسب بالاترین درجات از پنجاه دانشگاه مختلف ایالات متحده، سه دانشگاه در بریتانیا و دو دانشگاه در کانادا شده اند. البته کاملاً مشخص است که دانشگاه های زیادی با برنامه های مربوط به درجه دکترا در تاریخ نظامی وجود ندارد. تعداد زیادی از کاندیداهای ما در زمینه های دیگری مثل تاریخ آمریکا، بریتانیا، اروپای جدید و روسیه آموزش دیده اند. با این حال به خاطر کیفیت کاری آنان در موضوعات نظامی و به خاطر اینکه اکثریت آنها تلاش می کنند تا کارشناسان و متخصصین نظامی مجرب تری شوند بایستی به آنها بهای بیش تری داده شود. اگر چه آنان به وسیله افرادی برجسته و مشهور مثل تئودور راپ در ایالت دوک - احتمالاً همان ایالت بریتیش می باشد - پتر پارت در ایالت استانفورد، ادوارد ام. کافمن در ایالت ویسکانسین، جان شای در ایالت میشیگان، راسل ویگی در تمپل و یا آلن میلر در ایالت اوهایو، آموزش ندیده باشند، اما کمیته ما به سختی از آنها حمایت می کند. اکثر این شش مورخ برجسته درجه دکترای خودشان را زیر نظر استادان مجرب کسب نموده اند، افرادی که فکرشان را روی بررسی جوانب تاریخ آمریکا متمرکز نموده اند. کدام آموزشگاه به اکثریت متقاضیان کمک می کند؟ در این خصوص شش مرکز در تمپل، اوهایو، پنج مرکز در دوک، پنج مرکز در شیکاگو و چهار مرکز در میشیگان وجود دارد.

با توجه به موقعیت کاندیداهای ما در بهار ۱۹۹۰، اطلاعات به دست آمده نسبتاً سخت و پیچیده بود. در حقیقت این امر به عنوان یک یادآوری برای سایرین بود، که به ندرت تغییر و تحول قابل توجهی در بازار حرفه آکادمیک این رشته، اتفاق افتاده است. این یک مسئله بدیهی و آشکار در خصوص تاریخ نظامی و همچنین سایر تخصص ها در نظام ما می باشد. بیش از ۴۰ درصد - ۳۸ درصد در کل استخدام نشده بودند و یا شرایط استخدام را نداشتند. به نظر می رسد که تنها بیست و شش نفر از آنها در مشاغل آکادمیک از امنیت نسبی برخوردارند. اگر

چه الزام همه آنها از کار خود راضی و خوشحال نبودند، به خاطر اینکه در حدود دو سوم آنها در مؤسساتی مشغول تدریس بودند که در آن مؤسسات زمان محدودی را برای تحقیق و تدریس در موضوع خودشان صرف می کردند. نوزده تن از کاندیداهای ما به نظر می رسید که در حال ترک پست های فعلی شان در نیروهای مسلح، آموزشگاه ها، مراکز بایگانی و مؤسسات مختلف هستند. مابقی به حرفه های دیگر روی آوردند، حتی یکی از آنها مبلغ شد. به وضوح افراد مذکور سفید پوست بیشتر بودند. تا آنجایی که ما اطلاع داریم، هیچ سیاه پوستی در لیست دیده نمی شود. پنج فرد مؤنث به کارگیری شدند و همگی آنها برای انتصاب در درجه استادی یا کمک استادی تعیین شدند. در ابتدا چنین به نظر می رسید که زنان در این زمینه جایگاه بالایی کسب کرده باشند، اما تعداد کمی از آنان به سطوح بالا یا متوسط رسیده بودند.

مطالب ارائه شده بر عکس تحقیقات کارولینای شمالی، پر معنی تر هستند، زمانی که آنها موضوعات تاریخی را در رشته تاریخ نظامی بررسی می کردند. از این رو مؤلف به عنوان راهنمای (AHA) تاریخ نظامی آمریکا برای تحقیق در حوزه های تاریخی در سال ۱۹۹۰ - ۱۹۸۹ به دانشکده ها، دانشگاه ها و مؤسسات تحقیقاتی در ایالات متحده و کانادا رجوع نمود.

این کار برای اهداف من محدودیت هایی داشت، به عنوان مثال دانشکده های دو ساله در آن منظور نشده بودند و یا گروه مدارس چهار ساله به طور دائمی و مرتباً در مطبوعات منعکس نشده بودند. با این وجود تعداد ۵۵۴ مؤسسه در ایالات متحده انتخاب شده که ۱۶۴ مؤسسه حداقل یک فرد را با مسئولیت تدریس در تاریخ نظامی لیست نموده بودند. ما همچنین دریافتیم که در صد از تمامی مورخان، مورخان نظامی بودند و یا درست تر است بگوییم که در بعضی موارد، تاریخ نظامی یکی از دو یا چند رشته تدریسی در فهرست بود. چهار درصد از مدرسان تاریخ نظامی، زن بودند. آمار به آنچه که ما راجع به متقاضیان مؤنث برای شروع به تدریس در کارولینای شمالی به دست آوردیم، خیلی نزدیک بود.

در خصوص مسائل نظامی ذکر شده در بالا، دلگرمی هایی وجود دارد، ولی نیاز است که هماهنگ و کنترل شود.

بیست درصد از کل ۲۷۸ نفر مورخ انتخاب شده ما، در سه آکادمی عمده نظامی در ایالات متحده تعلیم دیده‌اند. منطقه غربی و آکادمی نیروی هوایی، دارای دانشکده‌های افسری کاملاً حرفه‌ای بوده و تقریباً نیمی از بخش تاریخ آکادمی دریایی یک مجموعه یک‌نواخت می‌باشد. بعضی از مقایسه‌های موجود از طرف کانادایی‌ها، برای محققان آمریکایی نیز آموزنده می‌باشد.

پنجاه و یک درصد از رشته‌های تاریخ در کانادا - که اطلاعاتی را در این خصوص در اختیار می‌گذارند - حداقل یک نفر دارند که مطالعات نظامی را انجام می‌دهد. چهار درصد از تعداد کل مورخان کانادایی دارای یک تخصص می‌باشند، اگر چه هیچ‌یک از آنان زن نبودند.

راه دیگر برای بررسی وضعیت آکادمیک تاریخ نظامی در ایالات متحده، مقایسه آن با تاریخ‌های به اصطلاح "جدید" مانند تاریخ اجتماعی و تاریخ زنان که، بسیار مشهور و امروزی می‌باشند، است. این راهنما نشان داد که تعداد ۳۳۷ عدد از رشته‌ها دارای مقوله تاریخ اجتماعی و ۳۱۰ عدد از آنها در مورد تاریخ زنان می‌باشند. به عبارت دیگر هر دوی این موارد نشان‌گر این است که تاریخ نظامی به نسبت تقریباً دو به یک می‌باشد.

بدیهی است تاریخ نظامی هنوز راه زیادی برای پیمودن دارد. حتی در این میان که اقدام به تدریس در این رشته می‌نمایند، ممکن است یک حساسیت پنهانی در مورد اینکه چگونه همقطاران ما (نام رب النوع جنگ در اساطیر) را مورد بررسی قرار می‌دهند، وجود داشته باشد. این راهنما همچنین این حقیقت را نشان داد که ۷۰ درصد از رشته‌های تاریخ که لیست شده‌اند، دارای مدرس تاریخ نظامی و یا متخصص مربوط به آن نبوده‌اند.

همچنین بعضی از محققان در این راستا به تخصص‌های خودشان اشاره کرده‌اند: برای مثال: دریا و دریانوردی، ارتش و امنیت، جنگ و انقلاب، جنگ و ساختار اجتماعی، هنر جنگ، توسعه جنگ‌افزارها، روابط غیرنظامیان و نظامیان، جامعه نظامی و سیستم‌های نظامی تطبیقی.

عامل دیگری که سبب محدود نمودن فرصت‌ها برای متخصصین جوان در این زمینه می‌شود این است که مورخان

بی شماری که اقدام به تدریس تاریخ نظامی می‌نمایند، در این رشته تعلیم ندیده‌اند و فقط به عنوان کمک، خدماتی را در حوزه‌های خودشان ارائه می‌نمایند.

نمی‌خواهیم این را بگویم که آنها مدرک پایین تری داشته‌اند و در امر تدریس ناوارد هستند، بلکه این امر احتمالاً نشان‌گر این مطلب است که آنها نسبت به اکثریت متقاضیان برای دست‌یابی به این سمت در کارولینای شمالی، تحصیلات کم تری داشته‌اند. تعداد مدرسان تاریخ نظامی با مدرک دکترا در سه دهه گذشته حداکثر ۹۲ نفر بوده است. تعداد آنها در دهه ۱۹۶۰-۱۹۶۰ زمانی که تعدادی از برنامه‌های تحصیلاتی در ارتباط با مطالعات جنگ گسترده شد، زیاده‌تر شدند. در حقیقت تعداد آنها در دهه ۱۹۸۰ نایل به کسب درجه دکترای حرفه‌ای شدند، حداقل ۶۷ نفر می‌باشد. (۳۶ نفر از آنها در آکادمی‌های نظامی مشغول به تحصیل بودند که البته این بدان معنی است که بیشتر آنها مورخان غیر نظامی نیستند)

افراد زیادی وجود دارند که اقدام به تدریس تاریخ نظامی می‌نمایند. به خاطر اینکه ممکن است شخصی که برای برطرف کردن نیازمندی‌های برنامه‌های دوره آموزش افسران احتیاط، پیشنهاد شده باشد برای یک یا بیشتر دوره‌ها در تاریخ نظامی یا تاریخ دریایی دعوت می‌شوند. برای چند سالی افسران در نظر گرفته شده برای مدارس دوره آموزش افسران احتیاط، اقدام به سپری نمودن دوره شش هفته در منطقه غرب می‌نمودند، جایی که در آنجا وارد دوره تاریخ نظامی آمریکایی شدند.

در اواخر دهه ۱۹۷۰ ژنرال دون. ای. استاری، فرمانده آموزش ارتش و فرماندهی تعلیمات نظامی را منصوب نمود تا در خصوص افسرانی که آموزش مناسب برای تدریس تاریخ ندیده‌اند و نیز برای برطرف کردن و نقص کلی آموزش‌های تاریخ در قسمت‌های مختلف ارتش، تحت اختیارات قانونی خود عمل کنند. او مخصوصاً در رابطه با فعالیت‌های افسران در کلاس‌های درس تعلیمات غیر نظامی، خیلی حساس بود. شاید ژنرال استاری دلایل مختلفی برای این امر داشت، امری که برای استادان غیر نظامی در ارتباط با تدریس رشته تاریخ نظامی برای دانشجویان و افسران آموزشی دوره احتیاط مفید بود. در حقیقت، بعضی از مؤسسات - که یقیناً دانشگاه

## پس تاریخ نظامی نوین چه می باشد؟ اولین بار چه زمانی ظهور پیدا کرد؟ رهیافت آن چه می باشد؟ و تفاوت آن با نوع قدیمی - تاریخ قدیمی - چه می باشد؟ خود مورخان نظامی در این مورد حاضر به پاسخ گویی نیستند.

کارولینای شمالی یکی از آنها بود - را تحت اختیار گرفتند که برای دانشجویان آموزش ندیده و آموزش افسران دوره احتیاط که از سوی رشته های آکادمیک سنتی اداره می شدند، آموزش تاریخ نظامی و بعضی از رشته های دیگر را راه اندازی نمایند.

تنها مشکلی که در این ارتباط وجود داشت این بود که تعداد کمی از مورخان غیر نظامی مورد جنگ ها، عملیات نظامی و سایر تخصص های نظامی آموزش دیده بودند. در سال ۱۹۸۱ برای رفع این کمبود، دوره کوتاه تابستانی شش هفته ای در موضوع تاریخ نظامی، برای آکادمی های غیر نظامی راه اندازی شد افرادی که می توانستند اقدام به راهنمایی دانشجویان فارغ التحصیل نشده راجع به تجربه نظامی آمریکا بنمایند. در طی این دهه، برنامه های جدیدی مورد استفاده قرار گرفتند و صد هانفر از مورخان آکادمیک وارد عمل شدند افرادی مثل الکساندر، فردریک، ناپلئون، گرانت و سایر کاپیتان های ارشد که امروزه دست یابی به محل زندگی و نظریات آنها در خصوص روش تدریس تاریخ نظامی، مشکل می باشد ما هم چنین می دانیم که تعداد ۴۰۰ واحد نظامی برای دوره آموزش افسران احتیاط وجود دارد که در بیشتر از دو سوم آنها افراد غیر نظامی مشغول تدریس تاریخ نظامی می باشند. در منطقه غرب بیش از ۲۵۰ استاد غیر نظامی تعلیم دیده اند که به تدریس تاریخ نظامی می پردازند. بعضی از این اساتید در مدارس مشغول به تدریس می باشند که در راهنمای ای.اچ.ای ثبت شده اند، اما اکثر آنها احتمالاً در مدارس ای که از شهرت بالایی برخوردار نمی باشند و حتی رشته های تاریخ آنها در راهنمای ای.اچ.ای منظور نشده است، در حال تدریس هستند.

احتمال دارد این مدارس و مؤسسات در آینده نزدیک به محققانی که متخصص در تاریخ نظامی می باشند، روی بیاورند. محققانی که طبق اطلاعات ارائه شده به وسیله مرکز تحقیقات ما در کارولینای

شمالی، اغلب در صدد دست یابی به دژ آکادمیک هستند، چند نفر می باشد؟ اگر چه تعداد افرادی که آموزش مناسب تر دیده در حال افزایش هستند - مثل راجرد بلیو اسپیلر از مؤسسه مطالعات رزمی در فورت لیون ورث که برنامه تابستانی ارتش را به اجراء می آورد - ولی افق آن خوش بینانه نمی باشد. در یادداشتی که تا زمان به دست آمدن گزارش ۱۹۷۱ کمیته ادهاک در مورد نیاز ارتش برای مطالعه تاریخ نظامی ارائه شده بود، او - اسپیلر - ذکر نمود: آکادمی های غیر نظامی که بسیاری از جنبه های مربوط به جنگ و یتنام را ارائه می نمایند، در حال حاضر علاقه مند به ارائه تاریخ نظامی نیستند و در واقع هنوز هم مخالف انتصارات استاد تمام وقت برای آموزش و تدریس در این زمینه می باشند، او اضافه نمود که فرصت برای تغییر این اوضاع بسیار ناچیز می باشد.

من مایل نیستم که دانشجویان به تاریخ نظامی بی علاقه باشند، در این صورت هیئت های نظامی ما باعث ایجاد تقاضای زیادتری برای رشته های تاریخ نظامی خواهند شد. اما در مجموع من فکر نمی کنم که تاریخ نظامی در دوره های آکادمیک به عنوان چیزی بیشتر از یک موضوع حاشیه ای برای مطالعه در نظر گرفته نمی شود.

### به دنبال تاریخ نظامی نوین

حال خوب است به بررسی اقدامات کارگزاران این رشته پردازیم. به خاطر نوع تاریخی که در حال نگارش می باشد. اگر فردی نتواند پیش از حد خوش بینانه و احتیاط آمیز در خصوص آینده تاریخ نظامی در کنفرانس های دانشگاه های معروف آمریکا اظهار نظر نماید، ممکن است با اطمینان بیشتر در مورد کیفیت و گوناگونی خود تاریخ نظامی نوین سخن براند. شاید به واسطه بی تفاوتی ای که اسپیلر از آن یاد نمود، آن چنان که سایر تاریخ های جدید مورد حمله قرار گرفته اند، تاریخ نظامی نوین مورد حملات سنگین و معینی قرار نگرفته است. این حمله سخت متوجه اعضای فراموش شده قبلی جامعه یعنی سیاهان، زنان و مردمان بومی نمی باشد بلکه گروه هایی که کاملاً شناخته شده هستند. در معرض آن قرار دارند شاید دلیل آن این باشد که متخصصان در سایر زمینه های جدید تمایل به تحریف ایجاد شکاف و پراکنده کردن دارند. همان طور که ما هر چه بیشتر و بیشتر در مورد مسائل جزئی و جزئی تر آگاهی پیدامی کنیم، بررسی های آنها با

مسائل و سوالات مهم تاریخی به اندازه کافی ارتباط ندارد. نتیجه به دست آمده به دور از شیوه داستان سرایی به ندرت الهام بخش بوده است؛ اغلب آنها فاقد احساسات انسانی می باشد و مردم همانند آمار و بدون نام های مشخص و به صورت مقطعی با آن سرو کار داشته اند. پس تاریخ نظامی نوین چه می باشد؟ اولین بار چه زمانی ظهور پیدا کرد؟ رهیافت آن چه می باشد؟ و تفاوت آن با نوع قدیمی - تاریخ قدیمی چه می باشد؟ خود مورخان نظامی در این مورد حاضر به پاسخ گویی نیستند. ریچارد ای پریستون اظهار داشته است که کانادایی ها در این ارتباط در دهه بعد از جنگ جهانی دوم زحمت زیادی کشیدند و شیوه درون گرایی حرفه ای نظامی را با شیوه مفهومی غیر نظامی ترکیب کرده اند. او اظهار داشت که کانادایی ها به این خاطر در این زمینه پیش قدم شده اند که مدت زیادی فاقد ارتش حرفه ای بوده اند و همچنین هر گونه مسائل و مشکلات نیروهای مسلح کانادا بر توسعه سیاسی و اجتماعی آنها لطمه جبران ناپذیری وارد می نماید ... کتاب کلاسیک سربازان کانادایی جورج استانلی مورد مناسبی در این ارتباط می باشد.

بخشی از مشکل تاریخ و تعریف آن این است که بعضی از مورخین همیشه به موضوعات متنوعی علاقه مند بوده اند. به عنوان نمونه مارتین وان کریولد که موضوعات استراتژیکی فرماندهی، لجستیک، تکنولوژی و همه موضوعات قدیمی به اصطلاح دروس علمی را تعقیب و دنبال می کند. اما آیا او اغلب مفاهیم پیچیده بی نظیر و تطبیقی را نیز ارائه می دهد؟

همان طور که اکثر نویسندگان نظامی قدیمی بوده اند، تا حدودی یک توصیه کننده است. در حال حاضر توصیه ها بایستی آن طوری باشند که ما نیازمند آن می باشیم. چه کسی با این توصیه مخالف می باشد که لجستیک ۹۰٪ از کار سربازان را تشکیل می دهد، حال آنکه موضوع تدارکات زمان جنگ، فقط یک درصد از ادبیات جنگ را تشکیل می دهد.

روی این موضوع اتفاق نظر وجود دارد که بایستی تاریخ نظامی بهتری نوشته شود. اگر تاریخ نظامی قدیم اهمیت بسیار زیادی به جنگ ها، تشکیلات نظامی و رهبری نظامی می دهد، با کمی توجه به تکنولوژی، تاریخ نظامی نوین تمامی موارد بالا و یا بیشتر آنها را در

برمی گیرد: در حال حاضر تمامی ارتش ها از نقطه نظر مفاهیم اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرند. نظم و انضباط آنها، سوابق سربازان، تجربه روانی آنها و تحرک و پویایی گروهبانان در جنگ مورد بررسی دقیق قرار می گیرد و آنها در قالب مفهوم منابع ژئوپلیتیکی و اقتصادی از جمله امکانات تکنولوژی کشور در مقیاس وسیع مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند. آن چیزی که در این ارتباط احتمالاً لاینحل باقی می ماند، حساسیتی است که چگونگی جنگ و ابزار جنگ در زندگی به وجود می آورد و باعث نگرانی سربازان و افراد غیر نظامی می شود.

این موضوع ها و تعریف ها یقیناً در موضوعات مقاله دکتر، رساله ها و رساله های موضوعی متقاضیان برای تصدی پست در کارولینای شمالی به دست آمده اند. بدون شک تعدادی از آنها قدیمی و تعداد زیادی از آنها جدید می باشند. نوع قدیمی آن نیز تاریخ قابل توجه و خوبی می باشد. این موضوع به همین علت و به دور از هر گونه مبالغه یادآور این امر می باشد که دانش خوب تحقیق شده و خوب مکتوب شده، همیشه جایگاه خودش را دارا می باشد. خواه آن تحقیق از حکایت های جنگ غیر نظامی و نبرد بروس کاتون باشد و خواه مربوط به مطالعات بیوگرافی داگلس اس. فریمن و یا از آر. ای. بی و جورج واشینگتن - هر دو از فرماندهان عالی رتبه - باشد و یا مربوط به حکایت فارست پاک از زندگی پادشاهی جورج مارشال یا یک سرباز و یا یک سیاست مدار برجسته باشد. اگر این پرده نقش دار تاریخی قدیمی خوب تزئین شود نقاط برجسته زمان گذشته جایگاه حساس شخصیت ها و انسان ها عدم پیش گویی و پیش بینی ها و خطر اظهارات و گفته های قطعی و ثابت را نمایان می کند. احتمالاً کسی به جز کارل فون کلاوزوتیس در کتاب کلاسیک "درباره جنگ"، حقیقت آن را به خوبی بیان نموده است: از همان روزهای نخستین، فعل و انفعالات احتمالات، شانس خوب و شانس بد وجود دارند که راه خودشان را از میان مسائل باز نموده و به پرده رنگین جنگ معنی می دهند "در دایره کلی فعالیت های بشری، جنگ تشابه خیلی زیادی به بازی ورق دارد.

متقاضیان ما مطالعات زیادی راجع به دیدگاه امریکایی ها در مورد جنگ و نحوه پدید آمدن جنگ، تأثیر شرایط زمان جنگ بر غیر نظامیان،

تفکر نظامی، تکنولوژی و تسلیحات، شورش و ضدشورش، بازسازی پس از جنگ، رهبری و فرماندهی، عملیات اطلاعاتی، مجتمع‌های صنعتی - نظامی، چگونگی به کارگیری سربازان در جنگ و مسائل مربوط به امنیت ملی انجام داده‌اند. در کل می‌توان گفت این کار، یک شیوه متمایز و پر بار بود و این حقیقت که تاریخ نظامی نوین - آن طوری که همیشه ادعای می‌گردد - نوین نمی‌باشد البته چه نوین باشد یا نباشد اغلب در معرض اتهام تنگ نظری و محدودیت فکری قرار دارد. کمیته تحقیقی مادر مقاله‌ها و رساله‌های موضوعی سربازان حرفه‌ای، به اطلاعات مفید و آموزنده و مفید کم‌تری نسبت به اطلاعات به دست آمده از تاریخ نظامی مکتوب شده به وسیله سربازان در اثنای زمان ایاموری آپتون در عصر گیلاد و ویلیام ای. گانو و اولیور اسپالدینگ در زمان جنگ‌های جهانی دست یافته‌اند. امروزه افسران آموزش دیده در کلاس‌های مخصوص شاگردان بالا رتبه، قادر هستند که همانند مراجع غیر نظامی بررسی انتقادی

**بخشی از مشکل تاریخ و تعریف آن این است که بعضی از مورخین همیشه به موضوعات متنوعی علاقه مند بوده‌اند. به عنوان نمونه مارتین وان کریولد که موضوعات استراتژیکی فرماندهی، لجستیک، تکنولوژی و همه موضوعات قدیمی به اصطلاح دروس علمی را تعقیب و دنبال می‌کند. اما آیا او اغلب مفاهیم پیچیده بی نظیر و تطبیقی را نیز ارائه می‌دهد؟ همان طور که اکثر نویسندگان نظامی قدیمی بوده‌اند، تا حدودی یک توصیه کننده است. در حال حاضر توصیه‌ها بایستی آن طوری باشند که ما نیازمند آن می‌باشیم. چه کسی با این توصیه مخالف می‌باشد که لجستیک ۹۰٪ از کار سربازان را تشکیل می‌دهد، حال آنکه موضوع تدارکات زمان جنگ، فقط یک درصد از ادبیات جنگ را تشکیل می‌دهد.**

جنگ و مسببان آن اقدام نمایند. اجازه بدهید در این خصوص دو مثال بزنم که هر دوی آنها مربوط به افسران نیروی هوایی با درجه دکترای حرفه‌ای می‌باشد. اولین کتاب مربوط به جیمز دبلیو تیتو بانام قلمرو قدیمی در جنگ: جامعه، سیاست‌ها و جنگ در ویرجینیای استعماری گذشته (۱۹۹۱) می‌باشد که، یک تاریخ مغالطه آمیز از جنگ بین فرانسه و هند در ویرجینیا می‌باشد که تیتو آن را به عنوان یکی از اولین مبارزات غیر معمول در تاریخ امریکا ذکر می‌کند که در آن از مردم فقیر خواسته شده بود که در مبارزه‌ای شرکت نمایند که به نفع رده‌های بالاتر بود (سایه‌های ویتنام). دومین کتاب مربوط به مارک کلود فلنر با نام، محدودیت‌های قدرت هوایی: بمباران ویتنام شمالی به وسیله امریکا (۱۹۸۹) می‌باشد که در آن نتیجه‌گیری شده است که حمله‌های هوایی می‌تواند جنگی را که به وسیله شرایط تکنولوژی و سیاسی مختلف به بن بست رسیده است را به پایان برساند.

ما همچنین می‌توانیم به هر گونه و هر تعداد از نشریات بسیار خوب ادارات و موسسات نیروهای مسلح در مورد تاریخ نظامی که به میزان قابل توجهی به وسیله مورخان غیر نظامی پشتیبانی می‌گردند مثل آنهایی که بعضی از کمک‌های واقعی را برای محققان جوان در بازار برای یک پست در تاریخ فراهم می‌نمایند، نشانه‌های بالاتری را ارائه نمائیم. همان طوری که استاندلی ساندرلر نوشته است بعضی از انتقادهای مهم در مورد سیاست‌های ارتش امریکا و اقدامات آنها به طور رسمی قابل دست‌یابی در تاریخ‌های ارتش می‌باشد. این موارد شامل انتقاد اولی سیز در کتاب به کارگیری سربازان سیاه پوست - آفریقایی - در جنگ جهانی دوم (۱۹۶۶)، انتقاد دبلیو. ای هر میس در کتاب خیمه متارکه و جبهه جنگ (۱۹۶۶) درباره کره، انتقاد رونالد اسپکتور در کتاب صلاحدید و پشتیبانی: اوایل (۱۹۸۳) و انتقاد ویلیام هاموند در کتاب ارتش و مطبوعات - دواثر آخر مربوط به جنگ ویتنام است می‌باشد.

شاید مفید باشد که به طور خلاصه به سه مورد که در مطالعات متقاضیان مانع و تمرکز بیش تری داشتند، اشاره نمایم. آنها در میان بیش ترین تغییرات و بیش ترین بازتاب‌کننده بعضی از تمایلات جدید که قبلاً به آنها اشاره کردیم، قرار داشتند.

اول تکنولوژی می‌باشد. در اینجا مفید است ذکر کنیم که سه مقاله

از مقالات متقاضیان در زمینه‌های تاریخ علم و تکنولوژی نوشته شده است. محققان در این زمینه‌ها به شدت از تاریخ نظامی فاصله می‌گیرند. تاریخ علوم اجتماعی نیوزلتر، اقدام به چاپ اطلاعاتی راجع به جنگ و موضوعات تکنولوژی می‌نماید و کتاب سالیانه آن، بررسی تاریخ به کارگیری علوم اجتماعی<sup>۲</sup> در صدد دستیابی به سطوح آکادمیک در مطالعات نظامی می‌باشد. این کتاب به بررسی توسعه یک طرح جنگی یا دسته جدیدی از بازی‌های جنگی می‌پردازد. در این زمینه مقاله‌ها و رساله‌های موضوعی به بررسی ارتباط بین دکترین، استراتژی و سیاست‌های تکنولوژی پرداخته‌اند و در مجموع به این نتیجه رسیده‌اند که هر کدام از آنها با تغییرات شرایط سیاسی، بر فرآیند تکاملی دیگری تأثیر می‌گذارند. از نقطه نظر صاحب نظران متعدد، تجهیزات نظامی در پیروزی جنگ کاپیتان هیل بسیار سودمندتر به نظر می‌رسند تا در پیروزی در جنگ‌های آن سوی دریاها.

اگر می‌بینیم که مطالعات تکنولوژی، امروزه خیلی جدید و نو ظهور هستند، بدین علت است که آنها با استثنائاتی کم، به ندرت از میزان زیادی برخوردار هستند. یک استثنا در بیش از سه دهه پیش اثر والتر میلیز به نام "مردان و ارتش"<sup>۳</sup> (۱۹۵۶) بود که شامل کل جریان تاریخ نظامی امریکا می‌باشد. به نظر من این کتاب هنوز در زمره بهترین کتاب‌های نوشته شده در مورد رویارویی امریکا با جنگ می‌باشد. در سال ۱۹۷۹ مجله تاریخ مدرن، مطلب ویژه‌ای را به "جنگ و تکنولوژی" اختصاص داده بود. این مجله در دهه ۱۹۸۰ تنها سه مبحث جنگ و تکنولوژی را به وسیله ویلیام اچ مک نیل، مارتین وان کریولد و رابرت ا. کانال منتشر کرده است، آنها یقیناً تجربه‌های تخصصی زیادی را برای ما بازگو خواهند کرد مانند جان تی سومیدا در کتاب دفاع از تفوق نیروی دریایی: بودجه، تکنولوژی و سیاست دریایی انگلستان در سال‌های ۱۹۱۴-۱۹۱۸ (۱۹۸۹) نوشته جان تی سومیدا که یک مدل از پژوهش قوی و عمیق است. در خلال بخشی از آن دوره، زمانی که سر جان فیشر اولین ناخدای دریا بود (۱۹۱۰ - ۱۹۰۴)، نیروی دریایی حکومت پادشاهی، بزرگ‌ترین عامل اداره دولت انگلستان بود. ما هنوز طبق نظر سومیدا نیازمند مطالعات عصر بخار هستیم که به طور فراگیر تجهیزات نیروی دریایی انگلستان، پرسنل، بودجه و حاکمیت آن را تحت پوشش قرار می‌دهد. در سال ۱۹۹۰، توسعه نیروی دریایی

به علاوه جنگ جزیره‌ای در روزگار پیشین، به طور تخصصی در مجموعه مقاله‌های، ابزارهای جنگی، تجهیزات، نظریات (ایده‌ها)، مؤسسات و قوانین جنگ در سال‌های ۱۴۴۵-۱۸۷۱ مورد بررسی قرار گرفته‌اند و وسیله جان ای. لین تنظیم شده‌اند. جمع‌بندی این مقاله‌ها یادآور توجه به بررسی جنگ احاطه‌ای (محاصره‌ای) در تاریخ قرون وسطی و تاریخ مدرن اخیر و اصلاح مدیریت نظامی و ظهور ارتش حرفه‌ای می‌باشد.

البته تکنولوژی محدودیت‌های مربوط به خودش را دارد. سرمایه‌کل هاوارد در کتاب ابزارهای جنگ<sup>۴</sup> خاطر نشان کرد که ابزارهای جدیدی برای پیروزی در جنگ‌های قرن نوزدهم - راه آهن، جنگ افزارهای خودکار و توپخانه سنگین - باعث شد تا سیاست مداران و ژنرال‌ها در سال ۱۹۱۴ این طور نتیجه‌گیری نمایند که عملیات جنگی بایستی کوتاه و قطعی باشد. این آخرین باری نخواهد بود که تکنولوژی در تحقق و برآوردن انتظارات با شکست روبه‌رو شده است. همچنان که مطالعه نحوه بمباران‌های انجام شده در جنگ جهانی دوم و ویتنام این مطلب را اثبات می‌نماید. جورج رادرنس به طور کلی به ما توصیه می‌کند که در خصوص وظیفه‌ای که جنگ افزارها در هر جنگی انجام می‌دهند محتاطانه عمل نماییم، زیرا که تجزیه و تحلیل تأثیر جنگ افزارها، جدا از تعاریف یا ارزیابی توانایی‌های تئوریک سخت افزارهای نظامی، مورد قبول واقع نمی‌شوند و بیشتر به صورت حاشیه‌ای مورد توجه محققان قرار گرفته‌اند. با وجود هشدار ویت.دی. آیزنهاور ما شاهد تکثیر سلاح‌های هسته‌ای در قالب پروژه‌هایی مانند تریدنت، ای.بی.ام. موشک ضد بالستیک، مینوتمن و جنگ ستارگان - ابتکار دفاع استراتژیک - هستیم. همان طوری که توماس بی. هاگس به ما یادآوری می‌کند، پروژه مانهاتن در جنگ جهانی دوم بود که سبب به وجود آمدن بمب اتمی گردید و مدلی برای سیستم‌های تکنولوژیکی بزرگ گردید. هاگس در کتاب تکوین امریکا: یک قرن اختراع و اشتیاق تکنولوژیکی ۱۹۷۰ - ۱۸۷۰ می‌نویسد: توسعه تسلیحات در درون چارچوب بزرگ‌تر علمی و سیستم‌های تولید جای می‌گیرد و می‌بایست به عنوان انگیزه‌ای برای رهاسازی انرژی بیشتر در جهت تمرکز مدیریت و تولید ابزارهای بزرگ کشتار جمعی عمل نماید.

وان کریولد عقیده دارد که مشغولیت فکری ما در مورد پیش‌رفت‌های علمی در جنگ افزارهای مخرب و کشنده بدین معنی است که ما در برابر خطر حذف عنصر انسانی از جنگ قرار داریم. مردان و زنان هستند که نتیجه جنگ‌ها را مشخص می‌کنند. ما نه تنها به آنهایی که به گفته جان کیگان در معرض جنگ قرار دارند، اشاره می‌کنیم بلکه به افرادی هم که در خانه‌هایشان باقی مانده و یا در راه‌هایی قرار گرفته که در آن هم سربازان و هم غیرنظامیان در شروع و پایان دادن به جنگ مورد هدف قرار می‌گیرند نیز اشاره می‌نماییم. ویتنام و افغانستان، دو نمونه بارز در جنگ‌های اخیر در مورد نقش و اهمیت عامل انسانی می‌باشند. این عامل در جنگ خلیج فارس نیز بارز و مشهود بوده است بعضی از مطالعات جان کیگان و پل قوسل از نوع مطالعات تاریخ اجتماعی، تاریخ فکری (اندیشه‌ها) و بعضی نیز ترکیبی از این دو هستند، به عنوان مثال مباحثی در مورد توجه اهالی شمال به جنگ شهری، مشاهدات سربازان پیاده نظام جنگ جهانی اول از فرهنگ فرانسه، دیدگاه‌های یک لشکر پیاده نظام فرانسه راجع به قدرت فرماندهی در خلال "جنگ کبیر"، تصورات امریکا راجع به دشمنان ژاپنی در جنگ جهانی دوم، مدافعان جزیره واک در مبارزه‌ای مشابه، وقایع جنگ رسمی سراسر تاریخ امریکا و تعدیل سربازان امریکایی در زمان صلح را می‌توان نام برد. بدیهی است موضوعات ذکر شده تنها یک فهرست جزئی را شامل می‌شود.

بعضی از این مطالب مرهون بررسی رابرت دبلیو جوهانسن راجع به جنگ مکزیکی از دیدگاه امریکا و نظر جرالده اف. لیندرمن در تأثیرات جنگ روی سربازان در جنگ شهری می‌باشد. متقاضیان ما فرصت نداشتند که مسائلی را از مطبوعات به دست بیاورند، مثل اثر جورج. ال. موس به نام سربازان کشته شده: یادآوری خاطرات جنگ جهانی (۱۹۹۰) که به بررسی اسطوره‌ای از یک تجربه جنگی می‌پردازد. همچنین راجر اسپیلر طی چند مقاله به خلق یک اسطوره از طریق ژنرال اس. ال. ای. مارشال در کتاب مردان علیه آتش در سال ۱۹۴۷ اقدام نمود. مارشال در آن ادعا می‌نمود که فقط در حدود ۲۰ درصد نیروهای حاضر در ۴۰۰ یگان رزمی پیاده نظام در خلال درگیری، از جنگ افزارهای خودشان استفاده نکردند. هیچ یک از هم‌قطاران ما راجع به نقش زنان در مسائل نظامی مطلبی نوشته‌اند، اما

در این خصوص مقالات و نوشته‌های زیادی وجود دارد. بعضی از مطالب مربوط به این موضوع در یک مجله نسبتاً جدید به نام "میتزوا" که به زنان و مسائل نظامی اختصاص دارد، ارائه شده است. یکی از کتاب‌های مشهور در این زمینه، کتاب "زنان و جنگ" (۱۹۸۷) جین. ال. اشتاین می‌باشد که به بررسی تصورات آنها در زبان و فرهنگ از زمان هومر و تأثیر این تصورات روی زنان و مردان می‌پردازد.

مؤلف به طور قانع‌کننده‌ای مدعی بود که نمایش زنان به عنوان افرادی غیرمبارز و مردان به عنوان افراد جنگی، باعث می‌شود که مردان در تصمیم‌گیری‌های عمومی و مسائل دیگر بر زنان تسلط داشته باشند. یک مقاله بسیار جدید که توسط دروگیلین فاست نوشته شده شکست دسته جمعی در جنگ شهری را به تلاش‌های رو به زوال زنان قسمت جنوبی نسبت می‌دهد، فردی که احساس می‌کرد تلاش‌های قدرتمندان آنها مورد تقدیر مردانشان واقع نمی‌شد. به هر حال این تأثیر جنگ جهانی دوم بر روی زنان است که به ویژه در مطالعات جنس مؤنث امریکایی جالب توجه می‌باشد. ارائه مقالات دی آن کامپل، به ویژه در کتاب زنان در جنگ با امریکا: زندگی خصوصی در عصر میهن پرستی (۱۹۸۴) و نظریه گرانب‌های او راجع به ادبیات ثانوی، در زمره بانفوذترین مسائل محسوب می‌گردند.

سومین و آخرین زمینه مربوط به مطالعات امنیت ملی است که معمولاً بیشتر در رابطه با دانشمندان سیاسی در مقایسه با مورخان می‌باشد. در هر صورت مورخان نیازمند هستند که با حوادثی سر و کار داشته باشند که مرتبط با امنیت ملی و ثبات باشند. چند تن از متقاضیان شغل خوب ما در این خصوص مشغول فعالیت بودند. زمینه‌ای که به طور فزاینده‌تر تنها به عنوان اقدامات امنیت ملی (یا بین‌الملل)، بلکه به عنوان مطالعات استراتژیک شناخته شده بودند. این اقدامات شامل دیپلماسی، دفاع، اقتصاد و تکنولوژی می‌باشد. برای مثال ارنست می‌از دانشگاه هاروارد به دانشجویان خود توصیه می‌کرد که به بررسی در این زمینه بپردازند: به عنوان مثال متمرکز نمودن توان خودشان بر روی مسائل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و سیاست‌های دفاعی امریکا. یک همکاری برجسته بسیار جدید در مورد مورخان و دانشمندان سیاسی، کتاب "پیش‌گیری از جنگ‌های بزرگ و منشاء آنها" می‌باشد که به وسیله رابرت ای راتبرگ و



تودور.کی. راپ نوشته شده است که در آن محققان با بررسی قبلی بر روی ریشه‌های جنگ‌های معین و سپس نتیجه‌گیری درباره کشمکش‌ها و عوامل مؤثر در این خصوص، اقدام به ارائه روش‌های شخصی خودشان در محدوده سیستم بین‌المللی می‌نمایند. توجه بیشتر این بررسی بر روی جنگ‌های برتر عصر مدرن اخیر تا قرن بیستم، می‌باشد جایی که تأثیرات جنگ سرد به نظر می‌رسد که افکار دانشمندان سیاسی را بیش از افکار مورخان شکل می‌دهد. هرگاه جک.اس. لوی که یک دانشمند سیاسی است، روش شخصی خودش را برای به فراموشی سپردن عوامل سیاسی داخلی که می‌تواند محرکی برای جنگ باشند، در پیش می‌گیرد، عقیده و نظر دیگری را که ممکن است مورخان آن را تصدیق نمایند، ارائه می‌دهد و آن این است که کشورهای لیبرال یا دمکراتیک به نزاع با هم نمی‌پردازند. در این راستا جان گیل مارتین که یک مورخ می‌باشد در مقاله‌ای راجع به امپراطوری عثمانی در جنگ در سال‌های ۱۶۰۶-۱۳۵۳ می‌گوید، غیراروپایی‌ها اغلب جنگ را به شیوه‌ای بسیار متفاوت از آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها تعریف می‌کنند. دیوید.بی. رالستون (۱۹۹۰) در کتاب اهمیت ارتش اروپایی که مربوط به مطالعه و بررسی جریان‌های بین سال‌های ۱۶۰۰ تا ۱۹۱۴ می‌باشد، شرح مفصلی از این امر که چگونه تجهیز نمودن نیروهای مسلح در راستای طرح‌های اروپایی، سبب تغییر سیستم اداری، فرهنگی و اقتصادی در روسیه، امپراطوری عثمانی، مصر، چین و ژاپن شده، را ارائه داده است. اظهارات گیل مارتین در این خصوص درست است ولی این تغییرات به ندرت سبب تغییر در تفکرات مردم، از جمله تعریف‌های آنان از پیروزی و شکست و تصورات آنها از مسائل نظامی و ابعاد سیاسی جنگ می‌شوند. راه دیگر در جهت مشخص نمودن علت این امر که چرا مورخان، تاریخ معاصر را به دانشمندان اجتماعی واگذار نمی‌کنند، بررسی نحوه شرکت آنها در مؤسسات مختلف، مراکز و کلاس‌های درس دانشجویان بالا رتبه می‌باشد. به عنوان مثال در کارولینای شمالی، یک دوره تحصیلاتی برای صلح، جنگ و دفاع و با همکاری دانشگاه دوک و دانشگاه دولتی کارولینای شمالی سمینار امنیتی دانشگاه‌های تری انگل وجود دارد که هر دو توسط یک مورخ اداره می‌گردند، دانشگاه ایالت اوهایو دارای مرکز Mershon و دانشگاه

ایلی نویز دارای برنامه‌های خودش در زمینه کنترل ارتش (نظامیان) و خلع سلاح امنیت بین‌المللی می‌باشد. مثالی دیگر در این خصوص که مربوط به دانشگاه ماریلند می‌باشد، برنامه تاریخی اتمی است که سبب ایجاد تحقیقات و مباحثات در خصوص توسعه، گسترش و به‌کارگیری نیروهای اتمی و جایگاه آنها در تکامل روابط غرب و شرق می‌شود. در این زمینه می‌توان به برنامه مطالعات نظامی و استراتژیکی دانشگاه نیویورک و مرکز مطالعات جنگی اشاره نمود. که هر دوی آنها به وسیله مورخان اداره می‌شوند و از مرکزی برای مطالعات منطقه‌ای و بین‌المللی و برنامه‌های امنیت بین‌المللی برخوردار هستند. نهایتاً اینکه تاریخ نظامی چیزی برای گفتن به آن دسته از افرادی که ممکن است در مورد چشم‌انداز دنیای پس از جنگ سرد کمی زیاد خوش بین باشند، دارد، به عنوان مورخ می‌دانیم که جهان دو قطبی بعد از سال ۱۹۴۵ به خودی خود یک استثنا بود و به عنوان قاعده در مسائل بین‌المللی محسوب نمی‌شد. از نقطه نظر تاریخی، تعاریف امنیتی همیشه سیر تحول خود را داشته است. غالباً این تعاریف مربوط به برتری‌ها با پی‌ریزی‌های درونی استراتژی ملی، مخصوصاً اقتصادی و تکنولوژیکی همراه بوده است، همان‌طوری که پل‌کندی در کتاب ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ تأکید کرده است (۱۹۸۲)، کتابی که دارای مطالب عمیق و گسترده‌ای راجع به دول قدرت مند مثل ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی است که عمر بیش تری نسبت به دولت‌های قدرت مند گذشته مانند اسپانیا و انگلستان داشته‌اند. در خلال هفته‌های نخستین بحران خلیج فارس، مورخان به وسیله یک دانشمند سیاسی به مرحله بالاتری قدم گذاشتند، جان میر شیمز از دانشگاه شیکاگو، شخصی بود که می‌گفت دنیای بدون جنگ سرد می‌تواند بسیار خطرناک باشد، مورخان احتمالاً بهتر از او می‌دانند که یک دنیای چند قطبی که مملو از مخالفان قوی و قبیله‌ای و رقبای ملی باشد، تجویزی برای تیرگی روابط، بحران و درگیری می‌باشد. - دنیای چند قطبی خطرناک‌تر از دنیای دو قطبی خواهد بود در هر واقعه‌ای مورخان نظامی چه دست‌اندرکار تاریخ جدید یا قدیمی و یا آکادمیک، باشند یا سرباز و یا کارمند نیروهای مسلح باشند، همیشه جایگاهی مشخص دارند. یعنی چیزی که نگاشته می‌شود، تاریخ خوبی است.